

معنویت از دیدگاه آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای رحمته‌الله

دکتر احمد شاکرنژاد*

اشاره

واژه معنویت در ادب فارسی از دیرباز وجود داشته است، اما معنویت به عنوان یک اصطلاح واژه‌ای نوپدید است. هر چند امروزه تعاریف غیردینی از این اصطلاح رواج بیشتری یافته است، اما با توجه به بیانات رهبری رحمته‌الله می‌توان شاهد آن بود که ایشان از واژه معنویت عبور کرده و اصطلاح معنویت را بر اساس سنت اسلامی تعریف و مفهوم‌سازی کرده است. هر چند معنویت در معنای واژگانی خود در مقابل مادیت است، اما اصطلاح معنویت چنانکه آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله آن را به کار می‌گیرد، توأمان با مادیت است و نه در تقابل آن. نوشتار حاضر درصدد است چگونگی ورود مقام معظم رهبری رحمته‌الله در عرصه مطالعات معنویت بر اساس مبانی نظری و عملی امام خمینی رحمته‌الله و با توجه به معارف قرآن و روایات استفاده از معنویت به عنوان یک اصطلاح جدید در منظومه فکری ایشان را بیان کند.

معنویت از دیدگاه رهبری

از دیدگاه مقام معظم رهبری رحمته‌الله، معنویت «رابطه و اتصال قلبی با خداوند» است^۱ و زمانی به دست می‌آید که «انسان در درون، در دل، در باطن با خدای متعال انس پیدا کرد»^۲. آیت‌الله

* عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. بیانات در دیدار مسئولان کشوری و لشکری در نخستین روز از سال نو، ۱۳۶۹/۰۱/۰۱.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2282>

۲. بیانات در دیدار اعضای ستاد مرکزی اعتکاف و اعضای سوّمین جشنواره سراسری علمی فرهنگی اعتکاف، ۱۳۹۳/۰۲/۱۵.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26347>

خامنه‌ای علیه‌السلام مراتب والای این نوع ارتباط با خداوند را چنین تبیین می‌کند: «مجدوب شدن در مقابل لطف الهی»^۱ و ریشه حدوث معنویت را در «ارتباط با خدا، آشنا شدن با خدا، بهره بردن از معنویت، پاکیزه کردن و پیراستن روح، و پالایش کردن ذهن از وسوسه‌ها» نهفته می‌داند.^۲ در بیانیه گام دوم نیز معنویت را چنین تعریف می‌کند: «معنویت به معنای برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود جامعه است».^۳

نویسنده مقاله «تحلیل گونه‌های معنویت‌گرایی (بر اساس بیانات آیت‌الله سید علی خامنه‌ای)»، با کاوش در شبکه مضامین بیان شده توسط رهبری علیه‌السلام برای مفهوم معنویت به این نکته توجه کرده است که معنویت در اندیشه ایشان، ارتباطی زنده با خداوند است که همراه استکبارستیزی، عدالت‌خواهی و تمدن‌سازی باشد.^۴ به عبارت دیگر بر اساس دیدگاه رهبری علیه‌السلام، معنویت را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «معنویت یعنی ارتباط زنده با یک امر قدسی در زندگی روزمره، اما معنویت در گفتمان انقلاب اسلامی عبارت است از همین ارتباط زنده و زیست با یک امر قدسی در زندگی روزمره که چند ویژگی پیدا می‌کند: استکبارستیز است، عدالت‌خواه است، تمدن‌ساز است». به عبارت دیگر معنویت از دیدگاه ایشان زیست با امر قدسی را به شکل فردی نمی‌طلبد؛ بلکه می‌خواهد به شکل جمعی در یک گستره وسیع اجتماعی و در یک گستره وسیع تاریخی تمدنی آن را پیاده کند که همگان بتوانند طعم این ارتباط زنده با خداوند را بچشند. بنابراین معنویت در بیانات رهبری علیه‌السلام همان «عرفان» مصطلح نیست. همچنین در این بیانات منظور از معنویت، مساوی با هرنوع دینداری نیز نیست؛ بلکه نوعی از دینداری است.

اکنون سؤال این است که چنین نوعی از دینداری چه ویژگی‌هایی دارد؟ از دیدگاه رهبری علیه‌السلام آن نوع دینداری که در آن انسان با امر مقدس ارتباط زنده برقرار می‌کند و در بطن زندگی روزمره‌اش و در چارچوب عقلانی که مبتنی بر عرف قرآنی و سیره اهل بیت علیهم‌السلام است، پیگیری می‌شود؛

۱. بیانات در دیدار جمعی از پرستاران نمونه کشور، ۱۳۸۹/۰۲/۰۱.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=9218>

۲. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان، ۱۳۸۴/۰۲/۱۹.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3290>

۳. بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

۴. احمد شاکرنژاد، «تحلیل گونه‌های معنویت‌گرایی (بر اساس بیانات آیت‌الله سید علی خامنه‌ای)»، نشریه مطالعات معنوی، ص ۱۴۴.

باید در بستر حکومت اسلامی رخ دهد؛ زیرا در این نوع دینداری مبارزه با استکبار، رفع بی‌عدالتی و از همه مهم‌تر بسترسازی برای جامعه مهدوی اهمیت بسیار دارد. پس می‌توان آن را این‌گونه تعریف کرد: «ارتباط زنده با امر قدسی در بطن زندگی روزمره و در چارچوب عقلانی در سطح فردی همراه با تقوا، عمل صالح و توکل و در سطح جمعی کمک‌همیاری و خصوصاً ایثار در راه مؤمنان و در سطح اجتماعی و تمدنی مبارزه با استکبار و بی‌عدالتی که همه این‌ها اولاً بر اساس قرآن کریم، روایات و سیره معصومین علیهم‌السلام و البته راه و منش ولایت قابل تبیین است». رهبری علیه‌السلام در بیانیه گام دوم نیز نشان می‌دهند که این حرکت در گام اول آن خودجوش، فردی و جهادی پیش رفت، اما در گام دوم باید آگاهانه، نهادینه و سازمان‌یافته باشد. مجاهدت‌هایی که جوان‌ها در دفاع مقدس داشتند، رونق مساجد و فضاهای دینی، اعتکاف، جهاد سازندگی، حج و زیارت، کاروان راهیان نور و هیئت‌های مذهبی، پیاده‌روی اربعین و برخی ورزش‌های پهلوانی و ... مصادیق معنویت در گام اول جمهوری اسلامی هستند. این معنویت در گام دوم، در قالب ارزش‌هایی همچون اخلاص، ایثار، توکل و ایمان در خود و در جامعه و در بطن ساختارهای نهاد اسلامی به عنوان روح همه فعالیت‌ها بروز می‌یابد که جهش‌دهنده و جهت‌دهنده همه فعالیت‌ها باشد و باید تحقق پیدا کند. بنابراین معنویت از دیدگاه رهبری علیه‌السلام، نوعی از دینداری است که به روز، انقلابی و در لابه‌لای زندگی روزمره است و ارتباط زنده با امر مقدسی در آن جریان دارد.

مهم‌ترین مؤلفه «معنویت» در بیانات رهبری علیه‌السلام

مهم‌ترین مؤلفه معنویت به عنوان یک اصطلاح متمایز در بیانات رهبری علیه‌السلام را می‌توان توأمانی مادیت و معنویت دانست. به عبارت دیگر واژه معنویت - چنانکه در فرهنگ لغات فارسی آمده و در ادبیات پیشینیان به کار رفته است^۱ - در مقابل مادیت است و معنوی در مقابل ظاهری تعریف می‌شود، اما در بیانات رهبری علیه‌السلام این دو در کنار هم هستند و نه در مقابل هم. معنویت و مادیت و نیز باطن و ظاهر در هم تنیده‌اند و به شکل توأمان وجود دارند و باید در کنار هم مطالبه شوند. وجه اصطلاحی معنویت در بیانات رهبری علیه‌السلام از این نقطه شروع می‌شود و از معنای واژگانی آن فاصله می‌گیرد. این توأمانی یعنی به صحنه آوردن عرفان مهجور و عزلت‌نشین و توأمان ساختن آن با زندگی عموم مردم؛ دستاوردی که امام خمینی رحمه‌الله با پیروی از مکتب اهل بیت علیهم‌السلام آن را به

۱. احمد شاکرنژاد و مسعود تاره، تبیین معنویت در ادب فارسی، ص ۶۵ - ۳۰.

ارمغان آورده بود، اما مقام معظم رهبری علیه‌السلام این دستاورد را ذیل اصطلاح «معنویت» به شکل منسجم مفهوم‌سازی کرد.

ایشان در تبیین جامعیت مکتب امام خمینی علیه‌السلام به همین توأمانی معنویت با مادیت، عدالت و عقلانیت - به عبارت دیگر، فراروی از دوگانه‌های کاذب - اشاره می‌کند. عدالت و عقلانیت نیز در اینجا دو مؤلفه از پیشرفت مادی است که امام خمینی علیه‌السلام آن دو را با معنویت همراه می‌کند:

مکتب امام علیه‌السلام یک بسته کامل است، یک مجموعه است، دارای ابعادی است؛ این ابعاد را باید با هم دید، با هم ملاحظه کرد. دو بُعد اصلی در مکتب امام بزرگوار ما، بُعد معنویت و بُعد عقلانیت است. بُعد معنویت است؛ یعنی امام بزرگوار ما صرفاً با تکیه بر عوامل مادی و ظواهر مادی راه خود را پی نمی‌گرفت. اهل ارتباط با خدا، اهل سلوک معنوی، اهل توجه و تذکر و خشوع و ذکر بود. به کمک الهی باور داشت. امید او به خدای متعال، امید پایان‌ناپذیری بود و در بُعد عقلانیت، به کار گرفتن خرد و تدبیر و فکر و محاسبات در مکتب امام علیه‌السلام مورد ملاحظه بوده است. من نسبت به هر کدام چند جمله‌ای عرض خواهم کرد. بُعد سوم هم وجود دارد که آن هم مانند معنویت و عقلانیت، از اسلام گرفته شده است. عقلانیت امام علیه‌السلام هم از اسلام است، معنویت هم معنویت اسلامی و قرآنی است؛ این بُعد هم از متن قرآن و متن دین گرفته شده است و آن، بُعد عدالت است. این‌ها را باید با هم دید. تکیه بر روی یکی از این ابعاد، بی‌توجه به ابعاد دیگر، جامعه را به راه خطا می‌کشاند [و] به انحراف می‌برد. این مجموعه، این بسته کامل، میراث فکری و معنوی امام علیه‌السلام است. خود امام بزرگوار هم در رفتارش، هم مراقب عقلانیت بود، هم مراقب معنویت بود، هم با همه وجود متوجه به بُعد عدالت بود.^۱

از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه‌السلام معنویت، متضاد مادیت نیست؛ بلکه معنویت با غفلت در تضاد است:

یکی از عیوب حاکمیت دستگاه‌های سیاسی غیر دینی و غیر معنوی ... غفلت است. مردم از ارزش‌هایی که دم دست آن‌هاست و می‌توانند استفاده کنند، غافل می‌مانند. وقتی حاکمیت مسلط بر جامعه و محیط بر جامعه، یک حاکمیت معنوی بود، الهی بود، دینی بود، یک خاصیت طبیعی آن همین است که معنویات رواج پیدا می‌کند، جلوی چشم قرار می‌گیرد، دل‌ها به طرف آن جذب می‌شود. این، چیزی است که امروز اتفاق افتاده [است]. نه اینکه امروز

۱. بیانات در مراسم بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی علیه‌السلام، ۱۴/۰۳/۱۳۹۹.

گناه نیست، نه اینکه آدم بد وجود ندارد و آدم بی‌توجه و غافل وجود ندارد؛ چرا، لکن فرق است بین اینکه فضای عمومی جامعه، فضای معنوی باشد، معنویات به عنوان یک ارزش مطرح باشد در جامعه و اینکه معنویات بکلی مغفول‌عنه باشد یا ضدآرزش باشد^۱ از دیدگاه ایشان، معنویت با پیشرفت‌های مادی و علمی سازگار است. هر چند معنویت اساس کار است؛ یعنی شرافت با معنویت است، اما معنای آن جدایی امر مادی و معنوی نیست. ایشان در جمع نخبگان می‌فرماید:

معنویت منافات با پیشرفت‌های علمی و ابتکارات گوناگون علمی و عملی و شیوه‌های نو و سازماندهی‌های هوشمندانه ندارد. نه اینکه خیال کنیم وقتی چشم انسان به معنویت است، به ظواهر [نپردازد]؛ ... معنویت منافات ندارد با پرداختن به اصول مادی کار و تنظیم درست کار؛ بایستی این معنویت را حفظ کرد. این معنویت اساس کار است.^۲ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله‌علیه در یک نگاه جامع‌نگر، دوگانه‌های کاذب بر سر راه پیشرفت و دستیابی به حیات طیبه را کنار می‌گذارد و در نظریه معنویت خود، جمع بین دوگانه‌های کاذب جهان معاصر را راهکار اساسی برای پیشرفت می‌داند:

معنویت نه با علم، نه با سیاست، نه با آزادی، نه با عرصه‌های دیگر هیچ منافاتی ندارد؛ بلکه معنویت روح همه این‌هاست. می‌توان با معنویت قله‌های علم را صاحب شد و فتح کرد؛ یعنی معنویت هم وجود داشته باشد، علم هم وجود داشته باشد. دنیا در آن صورت، دنیای انسانی خواهد شد؛ دنیایی خواهد شد که شایسته زندگی انسان است. ... دنیایی که در آن علم همراه باشد با معنویت، تمدن همراه باشد با معنویت، ثروت همراه باشد با معنویت، این دنیا دنیای انسانی خواهد بود.^۳

بنابراین در دیدگاه رهبری رحمته‌الله‌علیه مادیت، یکی از دو بال حیات طیبه است. به عبارت دیگر معنویت از دیدگاه ایشان در مقابل مادیت نیست؛ بلکه مندمج در آن و توأمان با شئون زندگی روزمره است

۱. بیانات در جمع خدمتگزاران مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۹/۰۸/۰۶.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42298>

۲. بیانات در دیدار نخبگان جوان، ۱۳۸۹/۰۷/۱۴.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24033>

۳. بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۸۹/۰۹/۱۰.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10664>

و این توأمانی، حیات طیبه را می‌سازد و هنگامی که حیات طیبه ساخته شود، عبودیت و خلافت هم در شکل ایده‌آل خود (جامعه مهدوی) تحقق می‌یابد. باطن و ظاهر نیز به همین شکل توأمان به حساب می‌آیند؛ یعنی وقتی باطن و درون افراد اصلاح می‌شود، بیرون آن‌ها نیز سامان می‌یابد: «وقتی انسان در درون، در دل، در باطن با خدای متعال انس پیدا کرد، در ظاهر او هم اثر می‌گذارد و در ظاهر هم نشان داده می‌شود».^۱

کیفیت توأمانی مادیت و معنویت

نظریات مختلفی درباره کیفیت توأمانی مادیت و معنویت می‌توان ارائه کرد. برای مثال معنویت‌گرایان نوظهور توأمانی مادیت و معنویت را با مثال انرژی توضیح می‌دهند. از نظر این جریان نوظهور عصر جدید،^۲ معنویت در دل امور مادی و دنیوی است؛ مانند الکتروسیته که در همه چیز وجود دارد. این قرائت حکایت از اعتقاد به حلول امر معنوی (ذات خداوند) در امور مادی دارد و با توحید ناسازگار است،^۳ اما در بیانات رهبری علیه‌السلام، معنویت همان صبغه الهی و جهت‌گیری توحیدی در امور است و نه حلول ذات الهی در امور مادی. تمثیلی که ایشان برای تبیین این توأمانی مطرح می‌کنند، تمثیل باران است. این تمثیل در سخنرانی‌های مربوط به رمضان، حج و نوروز در قالب صحبت از بهار معنویت و طراوت معنوی به میان آمده است: معنویت خیلی مهم است... و مثل یک باران رحمتی است که بر یک بوستان متنوعی بیارد؛ هم حیات‌بخش بوستان است، هم طراوت‌بخش و جلوه‌بخش بوستان است. وقتی باران می‌بارد، صرفاً این نیست که زندگی می‌دهد به بخش‌های مختلف این بوستان؛ بلکه به آن زیبایی هم می‌دهد، جلوه هم می‌دهد، طراوت هم می‌دهد، آن را در چشم‌ها عزیز هم می‌کند؛ باران معنویت این [جور] است.^۴

از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه‌السلام، معنویت مساوی با حضور و جنبه ظاهری این حضور، همان

۱. بیانات در دیدار اعضای ستاد مرکزی اعتکاف و اعضای سومین جشنواره سراسری علمی فرهنگی اعتکاف، ۱۳۹۳/۰۲/۱۵.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26347>

2. New Age

۳. احمد شاکرنژاد، «چیستی معنویت عصر جدید»، فصلنامه ره‌توشه، شماره ۱۳، بهار ۱۴۰۲، ص ۷۶ - ۶۳.

۴. بیانات در دیدار مجمع عالی فرماندهان سپاه، ۱۳۸۹/۰۷/۱۰.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43632>

حضور اجتماعی است. حج نیز مظهر این توأمانی حضور مادی و معنوی به حساب می‌آید؛ زیرا در حج عالی‌ترین تجارب معنوی به شکل توأمان با زندگی و در حضور اجتماعی رخ می‌دهد:

حج یک فریضه بسیار مهمی است. شاید ما در بین فرایض مهم اسلامی مثل حج، فریضه‌ای دیگر نداریم. اولاً در این فریضه بزرگ و وسیع، ظرفیت‌های معنوی بسیاری وجود دارد که کسانی که دنبال ارتباط معنوی با حضرت حق (جل و علا) هستند، دنبال معنویت و روحانیت و مانند این‌ها هستند، می‌توانند در گوشه و کنار این واجب و این فریضه بزرگ، امکانات فراوانی و ظرفیت عجیبی را پیدا کنند. از نماز و طواف و وقوف و سعی و خودِ احرام و از قطعه قطعه این واجب بزرگ و مرکب از اجزای گوناگون، معنویت می‌تراود، معنویت می‌بارد. اگر قدر بدانیم، اگر دنبال معنویت باشیم، ظرفیت حج از همه واجبات دیگر بیشتر است؛ این یک طرف قضیه. در عین حال یک ظرفیت بی‌نظیر اجتماعی هم در حج وجود دارد. ببینید، این از خواص فرایض اسلامی است. اسلام این همه بر روی معنویت تکیه می‌کند، اما معنویت اسلامی به معنای انزوا و رهبانیت و گوشه‌گیری و جدایی و دوری از مردم نیست؛ همان واجب و فریضه‌ای که بیشترین ظرفیت معنویت را داراست، همان واجب و فریضه بیشترین ظرفیت حضور اجتماعی را هم داراست.^۱

در واقع چنین معنویتی که توأمان با مادیت است، همان معنویت تمدن‌ساز به حساب می‌آید: «در تمدن نوین اسلامی، معنویت در کنار مادیت، عروج اخلاقی و معنوی و روحی و تضرع و خشوع، در کنار پیشرفت زندگی مادی [است]؛ حج مظهر یک چنین تمدنی است».^۲

مقام معظم رهبری علیه‌السلام در بیانی دیگر معنویت را یک بعد از همین زندگی دنیوی می‌داند. به بیان ایشان معنویت، همان بعد معناداری زندگی است:

یک بُعد لطیف معناگرا در هر انسانی وجود دارد. خب انسان مجموعه ابعاد مختلف است؛ غرایز هست، امیال هست، نیازها هست؛ یک بُعد، بُعد معناگراست در هر انسانی، همه انسان‌ها. این بُعد، بُعد بسیار لطیفی است و در سنین جوانی لطافت این بُعد و شفافیتش بیشتر و زلال‌تر است. این بُعد را اگر ما آحاد بشر بتوانیم در خودمان تقویت کنیم، بقیه ابعاد ما را هدایت

۱. بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۹۶/۰۵/۰۸.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=37254>

۲. بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۸۹/۰۴/۱۲.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42974>

خواهد کرد؛ نه اینکه بُعد معنوی و معناگرا جلوی غرایز را، جلوی نیازها را، جلوی تعقل و خردورزی را بگیرد؛ نه، همه این‌ها به جای خود محفوظ است، این بُعد معنویت و معناگرایی در انسان همه این ابعاد دیگر را هدایت می‌کند، اگر در ما باقی بماند، اگر تقویت بشود. آدم‌های خبیثی که در دنیا مشاهده می‌کنید که یا ظالمند، یا سفاکند، یا پول‌پرستند، یا شهوت‌پرستند، یا شکم‌پرستند و ابعاد مادی بر وجود این‌ها غلبه کرده، این‌ها کسانی هستند که آن بُعد معناگرا را، معنویت‌گرا را در خودشان رشد ندادند، به تدریج ضعیف شده و از بین رفته [است].^۱

نتیجه‌گیری

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای عنه‌السلام از معنای واژگانی معنویت فراتر رفته و اصطلاح معنویت را وضع کرده است. مهم‌ترین مؤلفه‌ای که ایشان در تعریف و تبیین شاخصه‌های معنویت اسلامی بیان می‌کند، توأمانی مادیت و معنویت است. به عبارت دیگر در معنای واژگانی معنویت در مقابل مادیت است، اما در معنای اصطلاحی بر اساس تقریر مقام رهبری عنه‌السلام معنویت توأمان با مادیت است. البته کیفیت این توأمانی به‌گونه‌ای نیست که شائبه حلول و اتحاد را برانگیزد؛ بلکه رهبری با نگاه توحیدی و با ذکر مثال‌هایی مانند تمثیل «بارش باران» نشان دهد که معنویت، وجهی و جنبه‌ای است که بر زندگی دنیوی می‌بارد و به آن رنگ و صبغه الهی می‌بخشد. از دیدگاه ایشان غایت این معنویت، دستیابی به حیات طیبه و برپایی تمدن مهدوی است. یافته‌های این تحقیق را می‌توان به این شکل خلاصه کرد:

۱. معنویت یک بعد، جنبه و شأن زندگی است؛ نه چیزی جدا یا فرا یا فروتر از آن.
۲. معنویت، همان روح اعمال و روحیه افراد است که جهت آن، ارتباط و اتصال به خداوند است.
۳. متضاد معنویت غفلت است، نه مادیت.
۴. معنویت مثل باران است (باران معنویت) و به فعالیت‌های زندگی روزمره تازگی و طراوت می‌دهد. معنویت همان معناداری الهی است.
۵. معنویت توأمان با پیشرفت، علم و مادیت و عدالت است.

۱. بیانات در دیدار اعضای انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان، ۱۳۹۵/۰۲/۰۱.

فهرست منابع

کتاب و مقالات

۱. شاکرنژاد، احمد و مسعود تاره، تبیین معنویت در ادب فارسی، چاپ اول، تهران: انتشارات الگوی پیشرفت (وابسته به مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت)، ۱۳۹۷ش.
۲. شاکرنژاد، احمد، «تحلیل گونه‌های معنویت‌گرایی بر اساس بیانات آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای علیه‌السلام»، نشریه مطالعات معنوی، شماره ۲۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، ص ۱۶۶ - ۱۴۲.
۳. _____، «چیستی معنویت عصر جدید»، فصلنامه ره‌توشه، شماره ۱۴۲، بهار ۱۴۰۲، ص ۷۶ - ۶۳.

سایت‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای علیه‌السلام.